

## لالایی‌های منطقه کتول



محمدرضا برزگر\*

### چکیده

لالایی‌ها، گونه‌ای از اسناد شفاهی هستند که در عین سادگی و بی‌پیرایگی، بیانگر ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های فرهنگ شفاهی و بومی و دربر دارنده‌ی شعر و موسیقی هستند که توسط مادران خلق شده و توسط همانان نسل به نسل منتقل می‌شوند. هر قوم و گروه جمعیتی، تحت تأثیر خاستگاه فرهنگی، جغرافیایی و آنچه که در طول تاریخ بر آن گذشته، دارای لالایی‌های خاصی هستند که سندی قابل توجه در حوزه‌های زبان و گویش، موسیقی، ادبیات، تاریخ و... محسوب می‌شوند. در منطقه‌ی کتول، واقع در ایالت استرآباد (استان گلستان کنونی)، به واسطه‌ی پیشینه‌ی کهن و فرهنگ بومی غنی آن، مانند هر منطقه‌ی کهن در سرزمین ایران و جهان، لالایی‌هایی در بین مادران رایج بوده و هست که در قدم نخست ثبت آن‌ها و در دیگرگام‌ها بررسی و تحلیل ادبی - موسیقایی آن‌ها، افزوده‌هایی بر فرهنگ کهن ایرانی دربر خواهد داشت. آنچه در ادامه خواهد آمد، نمونه‌هایی از گنجینه‌ی لالایی‌های منطقه‌ی کتول است، که محمدرضا برزگر، یکی از موسیقی‌دانان و پژوهشگران موسیقی کتول، در طی سال‌های متمادی فعالیت پژوهشی در حوزه موسیقی کتول و پیمایش روستا به روستا و گفت‌وگو با زنان و مادران سالخورده‌ی کتولی، گنجینه‌ای از لالایی‌های منطقه‌ی کتول را گردآوری کرده است. در این مقاله پس از مقدمه‌ای شاعرانه در شرح و توصیف لالایی و خاستگاه آن، نمونه‌ای از موضوعات رایج در اشعار لالایی‌های منطقه‌ی کتول ذکر شده و سپس لالایی‌هایی به نقل از شاه‌خانم دنکو (متولد ۱۳۰۶ - روستای چلی) ارائه خواهد شد. تمامی لالایی‌هایی که در ادامه خواهد آمد، شامل سه بخش هستند، بخش نخست گویش کتولی، بخش دوم آوانویسی، بخش سوم برگردان به فارسی معیار. (فصلنامه میرداماد)

واژگان کلیدی: لالایی - کتول - موسیقی - شعر - ادبیات شفاهی

\* موسیقی‌دان و پژوهشگر موسیقی کتول  
مؤلف کتاب‌های «اورشم» و «نغمه‌های کتولی»



## مقدمه

«لالایی‌ها» آئینه تمام‌نمای «تفکر فلسفی»، «آلام و آرزوهای اقوام» هستند. جامعه‌شناسان، «زنان» -خاصه مادران- را راوی لالایی‌ها می‌دانند. اشعار لالایی‌ها حاصل «تجربه‌ها و دردها و اندیشه‌های» گویندگان آن‌ها است. کودکان به محض تولد با نغمه‌های موسیقی قوم خود، ابتدایی‌ترین رنگه‌های هویت قومی خویش را دریافت می‌کنند.

لالایی، نخستین پیمان آهنگین و شاعرانه‌ای است که میان مادر و کودک بسته می‌شود. رشته‌ای نامرئی، که از لب‌های مادر تا گوش‌های کودک می‌پوید و تأثیر جادویی آن خواب ژرف و آرامی است که کودک را فرامی‌گیرد. رشته‌ای که حامل آرمان‌ها و آرزوهای صادقانه و بی‌وسواس مادر است و تکان‌های دمام گهواره، بر آن رنگی از توازن و تکرار می‌زند و این آرزوها آن‌چنان بی‌تشویش و ساده بیان می‌شوند که ذهن شنونده در این که آیا آن‌ها آرزو هستند یا واقعیت، بی‌تصمیم و سرگردان می‌ماند. انگار که مادر با تمامی قلبش می‌خواهد که بشود و می‌شود.

لالایی‌ها در حقیقت، ادبیات شفاهی سرزمین‌ها هستند، زیرا که هیچ مادری آن‌ها را از روی نوشته نمی‌خواند و هم‌همی مادران بی‌آن‌که بدانند از کجا و چگونه؟ آن‌ها را می‌دانند. انگار دانستن لالایی و لحن ویژه‌ی آن از روز نخست برای روان زن تدارک دیده شده است.

زن اگر مادر باشد یا نباشد، لالایی و لحن زمزمه‌ی آن را بلد است و اگر زنی که مادر نیست در خواندن آن‌ها درنگ می‌کند، برای این است که بهانه‌ی اصلی خواندن را فراهم نمی‌بیند، اما بی‌گمان اگر همان زن بر گهواره‌ی کودکی بنشیند، بی‌داشتن تجربه‌ی قبلی، بدون این‌که از زمینه‌ی شعر و آهنگ خارج شود، آن‌ها را به‌کمال، زمزمه می‌کند. گویی که روان مادرانه از همان آغاز کودکی، به زن حکم می‌کند که برای فراگیری این ترانه‌های ساده، گوشه‌ای از ذهنش را سفید بگذارد. شاید بتوان گفت که لالایی‌ها طیف‌های رنگارنگی از آرزوها، گلایه‌ها و نیایش‌های معصومانه‌ی مادرانه هستند که سینه به سینه و دهان به دهان از نسل‌های پیشین تا به امروز رسیده است و هنوز، طراوت و تازگی خود را حفظ کرده‌اند، به گونه‌ای که تاکنون هیچ ترانه‌ی دیگری نتوانسته جایشان را بگیرد.

در حقیقت لالایی‌ها - این قدیمی‌ترین ترانه‌های فولکلوریک - سرآغاز ادبیات زنانه در پای گهواره‌ها هستند که قدمت‌شان دیگر تاریخی نیست، بلکه «باستانی» است.

از دو بخشی که هنگام خواندن یک لالایی به‌دست می‌آید، یعنی - آهنگ و شعر - آهنگ به کودک می‌رسد و شعر از آن مادر است. زیرا آن‌چه از نظر شنیداری برای کودک گهواره‌ای دارای بیشترین اعتبار است، ضرب‌آهنگ لالایی است و گرنه همه می‌دانیم که شعر لالایی زبان فاختری ندارد و تازه اگر هم داشته باشد، کودک گهواره‌ای آن را دریافت نمی‌کند. تنها زمزمه و لحن‌گیری برای مادر است که کودک را محظوظ می‌کند و او را می‌خواباند. مادر چه خوش‌صدا باشد و چه نباشد، کودک با زمزمه‌ی او الفت می‌گیرد و لحن او چون جویباری در گوش‌های کوچکش، حطّ و طراوت می‌ریزد. از طرفی دیگر، تجربه نشان می‌دهد که کودکان با این‌که با لالایی بزرگ می‌شوند، هرگز



شعر آن را یاد نمی‌گیرند و کلاً ذهن خود را موظف به فراگیری لالایی نمی‌کنند و زمانی هم که به حرف می‌آیند، هرگز لالایی را به عنوان ابزار خیال خود به کار نمی‌گیرند. حتی دختران هم هنگام خواباندن عروسک خود، برایش لالایی نمی‌خوانند بلکه بیشتر سعی دارند که روی او را بیوشانند و به او امنیت بدهند. زیرا در هنگام بازی بیشتر می‌خواهند عروسک را دریابند، نه این‌که او را بخوابانند. اما اگر همین دختران بخوانند خواهر یا برادر کوچکتر خود را بخوابانند، بر اساس داشتن روان اسطوره‌ای مادرانه، حتماً برایش لالایی می‌خوانند.

مادران در کنار گهواره‌ی کودکان‌شان برای آن‌ها لالایی سر می‌دهند. مضمون‌های مندرج در لالایی‌ها، متنوع و متأثر از شرایط روحی و روانی مادران است. مادران شرح ناکامی‌های خود را از طریق لالایی به کودکان منتقل می‌کنند.

نکنه حائز اهمیت در لالایی‌ها، ملودی آن‌هاست. ملودی لالایی‌ها در هر حالتی از شعر، با محتوای شادی یا اندوه، لحنی غم‌انگیز دارد. شعر لالایی از آن مادر است، زیرا مادر با خواندن لالایی، در حقیقت با کودک گهواره‌ای خود گفتگو می‌کند و اگر چه می‌داند که او سخنش را نمی‌فهمد، اما همین قدر که کودک به او گوش فرامی‌دهد، برایش کافی است. شعرهای لالایی‌ها اگر چه بسیار ساده است و گاه‌گاهی هم از وزن و قافیه خارج می‌شود، اما از نظر درون‌مایه‌ی احساسی، بسیار غنی و همواره حامل آرزوهای دور و نزدیک مادر است.

در لالایی خصلتی است که آن را تنها روان زنانه دریافت می‌کند. مادر، لالایی را از خود آغاز می‌کند و در آن لحظه، به‌جز کودک و گهواره و حال دل خویش، به چیز دیگر نمی‌اندیشد. روایت دل خود را می‌خواند، ممکن است این روایت قصه‌ی جامعه باشد، ممکن است نباشد. حتی اگر هم باشد، مادر نیست که آن را به جامعه تعمیم می‌دهد، بلکه خود لالایی است که قصه‌ی دیگران هم می‌شود.

### لالایی‌های منطقه‌ی کتول

لالایی‌های منطقه‌ی کتول نیز مانند لالایی‌های نواحی دیگر ایران، گوناگون و دارای کیفیتی چندوجهی هستند. برخی از اشعار لالایی‌ها در «وصف کودکان» هستند، گاهی اشعار، از «ترانه‌های عاشقانه» انتخاب می‌شوند و گاه «مضامین مذهبی» دارند.

- برخی از لالایی‌ها در وصف «زیبایی‌های کودک» است، مانند:

لالا لالا ته هستی واری آفتو *lālā lālā te hasti vāri āftō*

رسنده شو، ته بوندی واری ماتو *resande "s"-o,te bundi vāri mātō*

همش ته با خدا بو، با خدا بو *hame"s"- te bā xoe dā bu,bā xoe dā bu*

که شیطان، بی‌خدا رِ دنده توتو *ke "s"- itān ,bi xoe dā re dende totto*

معنی فارسی: «تو چون خورشید درخشان هستی و چون شب فرا رسد هم‌چون مهتاب زیبا می‌شوی. در همه حال از خدا یاری بجوی، که از وسوسه‌های شیطان سرگردان خواهی شد.

- برخی دیگر شرح «درد دل‌های مادر» است، مانند:



لالا لالا خدا یار تِه بونده  
 lālā lālā xoe dā yāre te bunde  
 موقی ناله غمخوار تِه بونده  
 moqeye nāle qamxāre te bunde  
 آگه تِه بی کس و تنها بمانی  
 age te bikas-o- tanhā bemāni  
 ویندی که نیگادار تِه بونده  
 vinandi ke nigādāre te bunde  
 معنی فارسی: خداوند یار تو خواهد بود، در زمان زاری مونس تو خواهد بود، در هنگام تنهایی و بی کسی او را در کنار خود خواهی یافت.

- برخی دیگر از اشعار، «آرزوها و انتظارات مادر» برای کودکان را نمایان می‌سازند، مانند:

لالا لالا گل خوش بوی ننه  
 lālā lālā goe le xoe "s" - buye nane  
 نیگا نیگا کندی تِه روی ننه  
 nigā nigā koe ndi te ruye nane  
 ملک ملک کلان و قد کشندی  
 mellak mellak kelān -o- qad ki "s" - andi  
 نیشندی شانه کندی موی ننه  
 ni "s" - andi "s" - āne koe ndi muye nane  
 معنی فارسی: گل خوش بوی مادر، به چهره‌ی مادر خیره می‌شوی، آرام آرام قد کشیده و بزرگ خواهی شد و شانه بر زلفان مادر خواهی کشید.

### لالایی‌های کنول، به نقل از شاه‌خانم دنکو - روستای چلی

مادران کنولی، زندگی روزمره و آنچه را در محیط زندگی می‌گذرد، با بیانی شیرین در گوش کودکان زمزمه می‌کنند و یا آنچه را در داستان‌های کهن و سنتی آنان وجود دارد، با آرزوها و خواسته‌های خود درهم می‌آمیزند. در این لالایی‌ها از اعضای خانواده نیز سخن می‌رود و وابستگی و ارتباط معنوی خانواده را با آنها نشان می‌دهد. مادر از سجایای نیکوی پدران و مادران نیز یاد می‌کند. در لالایی‌ها حتی درباره‌ی طوایف، طبیعت، مناظر و گیاهان منطقه‌ی کنول نیز نقل گردیده است. در ادامه‌ی این بخش، لالایی‌های کنولی به روایت بانوی هنرمند «شاه‌خانم دنکو»، فرزند علی اصغر و گل‌نساء، متولد اول تیرماه ۱۳۰۶، روستای چلی، نقل می‌شود.

### لالایی ۱

ننه لالا لالا / بئومته وچم / لالا لالا لالا لالا  
 ننه لالا لالا / شم و پروانه ، بئومته وچم / لالا لالا لالا لالا  
 ننه لالا لالا / چراغ خانه ، بئومته وچم / لالا لالا لالا لالا  
 nane lālā lālā / baomete vac-c-em / lālā lālā lālā lālā  
 nane lālā lālā / "s" -am -o- parvāne , baomete vac-c-em / lālā lālā lālā lālā  
 nane lālā lālā / c-erāqe xāne , baomete vac-c-em / lālā lālā lālā lālā

برای تو فرزندم لالایی بخوانم

داستان شمع و پروانه را برای تو بگویم

تو را روشنایی خانه بنامم



## لالایی ۲

نَنِه لالا لالا / بَنومِتِه وَچَم / لالا لالا لالا لالا  
 نَنِه لالا لالا / تِه رِ این کوه و اون کوه ، بَنومِتِه وَچَم / لالا لالا لالا لالا  
 نَنِه لالا لالا / تِه رِ دِیلم و دَنکو، بَنومِتِه وَچَم / لالا لالا لالا لالا  
 nane lālā lālā / baomete vac-c-em / lālā lālā lālā lālā  
 nane lālā lālā /te re in ku -o- on ku , baomete vac-c-em /lālā lālā lālā lālā  
 nane lālā lālā /te re dilem -o-danku, baomete vac-c-em/lālā lālā lālā lālā  
 برای تو فرزندم لالایی بخوانم  
 داستان آبادی‌ها را  
 و قصه‌ی طایفه‌های دیلم و دنکوب را برای تو بازگو کنم

## لالایی ۳

نَنِه لالا لالا / بَنومِتِه وَچَم / لالا لالا لالا لالا  
 نَنِه لالا لالا / کوکوچِپی باهار، بَنومِتِه وَچَم / لالا لالا لالا لالا  
 نَنِه لالا لالا / آلو اشکوئه باهار، بَنومِتِه وَچَم / لالا لالا لالا لالا  
 nane lālā lālā / baomete vac-c-em / lālā lālā lālā lālā  
 nane lālā lālā /ko ko c-apiye bāhār , baomete vac-c-em /lālā lālā lālā lālā  
 nane lālā lālā /alu e"s"-kue bāhār; baomete vac-c-em/lālā lālā lālā lālā  
 برای تو فرزندم لالایی بخوانم  
 از گل شیبوری با گل‌های سفید و بنفش بهار  
 شکوفه‌ی درخت آلو در آن فصل برای تو بگویم

## لالایی ۴

نَنِه لالا لالا / بَنومِتِه وَچَم / لالا لالا لالا لالا  
 نَنِه لالا لالا / تِه رِ بَرِستِم مَلایی، بَنومِتِه وَچَم / لالا لالا لالا لالا  
 نَنِه لالا لالا / تِه بَخوان قرآن چندتایی، بَنومِتِه وَچَم / لالا لالا لالا لالا  
 nane lālā lālā / baomete vac-c-em / lālā lālā lālā lālā  
 nane lālā lālā /te re barestem mellāi , baomete vac-c-em /lālā lālā lālā lālā  
 nane lālā lālā /te bexān qoe rān c-antāi, baomete vac-c-em/lālā lālā lālā lālā  
 برای تو فرزندم لالایی بخوانم  
 از هنگامی که تو را به مکتب‌خانه خواهم فرستاد  
 تا خواندن قرآن را در چند روایت بیاموزی، روایت کنم



## لالایی ۵

نَنَه لالا لالا / بَنُومِتِه وَچَم / لالا لالا لالا لالا  
 نَنَه لالا لالا / تِه رِ گلِ زیره، بَنُومِتِه وَچَم / لالا لالا لالا لالا  
 نَنَه لالا لالا / تِه رِ بَرِستِمِ مدرسه، بَنُومِتِه وَچَم / لالا لالا لالا لالا  
 nane lālā lālā / baomete vac-c-em / lālā lālā lālā lālā  
 nane lālā lālā /te re goe le zire , baomete vac-c-em /lālā lālā lālā lālā  
 nane lālā lālā /te re barestem madrese, baomete vac-c-em/lālā lālā lālā lālā

برای تو فرزندم لالایی بخوانم  
 از لالایی گل زیره و از آن هنگامی که تو را  
 به مدرسه خواهم فرستاد برایت بگویم

## لالایی ۶

نَنَه لالا لالا / بَنُومِتِه وَچَم / لالا لالا لالا لالا  
 نَنَه لالا لالا / گلِ نیلوفر، بَنُومِتِه وَچَم / لالا لالا لالا لالا  
 نَنَه لالا لالا / استاره‌ی سحر، بَنُومِتِه وَچَم / لالا لالا لالا لالا  
 nane lālā lālā / baomete vac-c-em / lālā lālā lālā lālā  
 nane lālā lālā / goe le nilufar , baomete vac-c-em /lālā lālā lālā lālā  
 nane lālā lālā /estāre-ye sehar , baomete vac-c-em/lālā lālā lālā lālā

برای تو فرزندم لالایی بخوانم  
 از گل پیچک و نیلوفری  
 و زیبایی و درخشش ستاره سحر را برای تو بازگو کنم

## لالایی ۷

نَنَه لالا لالا / بَنُومِتِه وَچَم / لالا لالا لالا لالا  
 نَنَه لالا لالا / سُنِ دَرِ خال، بَنُومِتِه وَچَم / لالا لالا لالا لالا  
 نَنَه لالا لالا / وَنُوشه‌ی باهار، بَنُومِتِه وَچَم / لالا لالا لالا لالا  
 nane lālā lālā / baomete vac-c-em / lālā lālā lālā lālā  
 nane lālā lālā /soze dāre xāl, baomete vac-c-em /lālā lālā lālā lālā  
 nane lālā lālā /vanu"s"-eye bāhār , baomete vac-c-em/lālā lālā lālā lālā

برای تو فرزندم لالایی بخوانم  
 از جوانه‌ی نورسته درخت  
 و بنفشه‌ی بهاری برای تو بگویم



### لالایی ۸

نَنِه لالا لالا / بَئومِته وَچَم / لالا لالا لالا لالا  
 نَنِه لالا لالا / گَل لاله، بَئومِته وَچَم / لالا لالا لالا لالا  
 نَنِه لالا لالا / خُوئَرزائِه خاله، بَئومِته وَچَم / لالا لالا لالا لالا  
 nane lālā lālā / baomete vac-c-em / lālā lālā lālā lālā  
 nane lālā lālā / goe le lāle , baomete vac-c-em /lālā lālā lālā lālā  
 nane lālā lālā /xoa r z āe xāle , baomete vac-c-em/lālā lālā lālā lālā

برای تو فرزندم لالایی بخوانم  
 از رنگ های گوناگون گل لاله و از  
 خاله که تو را دوست دارد، بگویم

### لالایی ۹

نَنِه لالا لالا / بَئومِته وَچَم / لالا لالا لالا لالا  
 نَنِه لالا لالا / تِه ر همیشه، بَئومِته وَچَم / لالا لالا لالا لالا  
 نَنِه لالا لالا / عَلَفِ یِه ریشه، بَئومِته وَچَم / لالا لالا لالا لالا  
 nane lālā lālā / baomete vac-c-em / lālā lālā lālā lālā  
 nane lālā lālā /te re hami"s"-e , baomete vac-c-em /lālā lālā lālā lālā  
 nane lālā lālā /alafe ya ri"s"-e , baomete vac-c-em/lālā lālā lālā lālā

برای تو فرزندم لالایی بخوانم  
 همیشه به یاد داشته باش که  
 تو شیرهی جان ما هستی

### منابع:

- ۱ - کتاب اورشم، محمدرضا برزگر، سال ۱۳۸۷
- ۲ - کتاب آوای کنول، یوسفعلی باباگردی، سال ۱۳۸۹
- ۳ - کتاب نغمه های کنولی، محمدرضا برزگر، سال ۱۳۹۶
- ۴ - شاه خانم دنکو (مطلع بومی، لالایی خوان)
- ۵ - صفیه نظری (مطلع بومی، لالایی خوان)